

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدولوژیک

آزاد ل.
۱۴ جون ۲۰۱۴

ضرورت ملا در جامعه برای فروش امتعه استعمار



تولید کنندگان امتعه



دلالتان و مفت خوران

در جوامع طبقاتی فروش امتعه تولید شده در کمپنی های استعماری یکی از اساسات قرارداد های سیاسی بین استعمار و کشور مستعمره بوده و ضرورت حتمی پیدا می کند، به این معنی که فرمانروایان جهانی استعمار می خواهند جوامع بشری خریدار آنچه برای شان عرضه می شود باشند، و در تداوم این قرار داد احتیاجات مردم مهم نیست فقط عرضه کالا های مادی اضافه تولید شان است نه ضرورت مردم آن کشور؟ و این عرضه نمودن هم نظر به مسلط بودن شرایط روبنائی آن سر زمین ها فرق می کند، اما چیزی که از دیدگاه استعمار جهانی همدیگر با فروشات جنس ضروری پنداشته می شود مساعد ساختن ذهنیت عامه برای پذیرش آنچه عرضه می دارند، می باشد و آن همانا ترویج نمودن باور های خرافی و اعتیاد مردم به خرافات است. این ارتباطات فروشنده و خریدار را در دو جهت می توان مطالعه و ارزیابی نمود ، جهات مادی و جنبه های معنوی ، که من در این نوشته فقط به عرضه امتعه (خرافات)، دلالت، فروشنده، و خریدار از جهت معنوی آن نظر دارم.

اعتیاد سبب قبول خریدار بودن و شدن هر نوع متاع می شود ، و معتاد شدن مردم به دین و مذهب گرمی بازار عالمان دینی و یا هم به عنوان دیگر نمایندگان ارتجاع و استعمار در قالب های آیت الله ، حجت الاسلام، پرو فیس اسلامی، داکتر اسلامی و... مولوی ، ملا ، طالب ، چلی را سبب می شود و مسلماً همین ها هستند که پایه های اساسی اعتقادات و باور های خرافی، ضدیت با دانش ، و غیره پدیده های منفی تولید شده در فابریکه های استعمار !! را در چوکات بندی های مقدس و آسمانی جلوه گر نموده و قانونمند می سازند که بعد از فعال شدن اینها نیرو های استعماری، بعد تشخیص برای نشر و پخش آن (خواست) از هیچ نوع تلاشی مضایقه نمی کنند و مطابق سلیقه ها و احتیاجات فردی آن جامعه به تولیدات (فکری و عقیدتی) خود افزوده و توسط همین ملا گک ها صادر می کند و می خواهند که این جنس باید و حتما بازاری داشته و خریدار حتمی و ضروری داشته باشد در شرایط به خصوص زمانی فروش این متاع به زور شمشیر هم صورت گرفته و می گیرد

در مشخص ساختن فروشندگان هم مشکلی ندارند، چون انسانهای خود فروخته و بی وجدان آگاهانه به سوی آنها شتافته و تقاضای امتعه و تضمین فروش آن را هم می کنند ؟

یکی از این امتعه ها دین و مذهب می باشد که در اکثر کشور ها به زور سر نیزه صادر بسط و توسعه و تطبیق آن در جوامع بشری بر مردم تحمیل شده است.

استعمار در مجموع و خونخواران عرب به شکل خاص برای فروش متاع خود به دکانداران و فروشندگان زیاد ضرورت دارند، فرقی برای شان ندارد که دلالت آنها دارای چه خصوصیتی است ؟ چه اندازه در بازار یابی سابقه و

مهارت دارد؟ نه هیچ کدام، فقط همین که وجدان نداشته و مثل یک حیوان چشم بسته به اطاعت بادر در مقابل یک دست مزد حاضر به قربان نمودن توده ها باشد برای شان کافی است، اینجاست که تعدادی بی وجدان، بیسرف و بیگانه پذیر حاضر به خدمت گذاری صادقانه شده و مسؤلیت فروش امتعه استعمار را به دوش می گیرند. درین خدمت گذاری هر کدام از آنها سعی دارند که از دیگری سبقت جسته و جنسی را که با دارش!! یعنی استعمار جهانی به او سفارش نموده در نظر مردم بهتر، خویتر و با ارزش تر جلوه داده و به فروش رسانند، و کوشش نمایند تا شیء مطلوب را در نظر مردم مخصوصاً خریدار از هر نوع عیب و کاستی مبرا دانسته و ضرورت خرید آن را از طرف مشتری نه تنها لازمی پندارد بلکه سعی کنند به هر قیمتی که شده متاع سفارش شده را بفروشد.

امروز استعمار درک نموده که وسیله ای مؤثر تر و برنده تر برای سرکوب و خنثی نمودن هر نوع تحرک انسانی و انقلابی جز باور های خرافاتی در قالب دین و مذهب نمی تواند باشد، فلذا بیشتر توجه خود را به دینی و مذهبی ساختن جوامع مبذول داشته و درین راه از هیچ نوع تلاش باز نمی ایستد.

آیة ها، نظریات و پیشنهادات دینی و اخروی برای مردم به شکل صلح آمیز و یا هم تقریباً با اعمال فشار و زور منحیث یک متاع و جنس از طرف استعمار عرضه و توسط یک تعداد افراد به نام های ملا، چلی، روحانی، حجة الاسلام، آیت الله، پروفیسر اسلامی، داکتر اسلامی، انجنیر اسلامی، و خلاصه شهادتنامه دار هر مفکوره ارتجاعی و پست به نام اسلامی بر ما عرضه و تحمیل می گردد و شرایط را طوری به وجود می آورند که ما مجبور شویم این متاع و این جنس را خریدار باشیم.

فروشنده دین سعی می دارد با روش های مختلف ذهن مردم را متوجه مزیت های جنس مورد نظر دارد و با او باید طوری روش نماید که خریدار متوجه کاستی ها، کمی ها و ناقص بودن متاع که اصلاً شاید به آن احتیاج نداشته باشد نشود تا این که خریدار چه مایل باشد یا نی مجبور به خرید آن متاع گردد، فروشنده یک دین در محیط ما تا می تواند توان دارد از ادیان دیگر بد می گوید، با وجودی که خودش بار ها ادعا دارد که همان دین هم آسمانی است و به کتابی که برای آنها نازل شده ما باید ایمان داشته باشیم و این به مفهوم آنست که باایمان داشتن کامل بر به حق بودن آن کتابها و ادیان علیه آن مبارزات شدید نموده و پیروان آن ادیان را به قتل رسانید!!؟

حال اگر ما خریدار باشیم بر ما عقلاً و منطقاً لازم است تا آن متاع عرضه شده را که به ما به فروش می رسانند و اختیار ما را در انتخاب سلب می کنند مورد سنجش قرار دهیم، ارزیابی نمائیم و ببینیم آیا ارزش خرید را دارد یا خیر؟ اما!! با فروشنده هائی دچار خواهیم بود و هستیم که متاع شان را باید و حتماً بخریم؟ یعنی به خوب و بد آن نباید کار داشته باشیم، مجبوراً آنچه را آنها به ما عرضه می دارند نه تنها باید خریدار باشیم بلکه باید توصیف کننده آن متاع بی بها هم باشیم؟؟؟

این که آن جنس و شیء چه ارزشی دارد؟ باید بی توجه بود، فقط باید خرید، اجباراً باید خرید، و حتماً باید خرید ورنه سر ما به فنا خواهد رفت!!؟

بعضی از این فروشندگان خیلی ها هم با احتیاط متوجه اند که متاع شان را طوری بفروشند که خریدار زود پشیمان نشود، چون در آن صورت آن خریدار سعی خواهد کرد به بی کیفیت بودن آن متاع و شرح آن به دیگران!! استدلال خواهند کرد و در نتیجه ممکن است روزی این متاع و جنس ارزش خود را در بازار تجارت های دنیائی از دست دهد؟ و یک لطمه بدی بر متاع شان وارد شود؟

حال!! بیائید ببینیم ماهیت این جنس و متاع چیست؟ فروشنده آن کیست؟ و ما چرا مجبوریم آن را بخریم؟ اگر ما منحیث خریدار اجباری قبل از خرید، در جریان خرید و یا هم بعد از خرید متوجه کمی و کاستی های متاع شویم و ببینیم نواقصی دارد و بدرد ما نمی خورد، تربیت انسانی ما به شکلی است که نمی توانیم اخلاقاً بگوئیم:

آقای! فروشنده! مداح! احمق! نماینده استعمار! این طرح و متاع شما غیر انسانی، غیر عادلانه، و بیسوادانه است؟؟
نه چنین کاری را ما نمی توانیم نظر به اخلاق، شرافت، انسانیت و بر داشت های خود از جامعه، انسان و ... انجام
دهیم! پس چه می توانیم کنیم؟ مجبوراً سکوت اختیار می کنیم، و با حوصله مندی و به اصطلاح (خون جگر
خوردن) تحملش می کنیم، چون باید ثابت کنیم که ما انسانیم و شرافت انسانی و انقلابی ما مانع از آن شده است تا جلو
روحانی و ملای مسجد خود بر خیزیم و استدلال نمائیم؟؟

دگانداران و تاجران دین فروش در مجموع متوجه سه چیز اند: ثروت، قدرت و حفظ آبرو!!! و از ما می خواهند
تا در بر آورده شدن این آرزو ها به آنها مطیع، یا همکار باشیم و هم گفته های شان اجباراً برای ما قابلیت پذیرش
داشته باشد، تا جناب شان به آن آرزو های شوم خود و باداران شان برسد.

طرز فکر و عملکرد آنها از دو حالت خالی نیست، یا این که فکر می کنند ادعای شان حقیقت محض است؟؟ و یا هم
این که نمی دانند و فکر می کنند که می دانند و این نظر دومی القاح شده اندیشه های تسلط انگیزانه بیرونی ها، خارج
از مقطع معیار ما می باشد

در هر دو صورت از ما می خواهند مثل یک آله و وسیله برای رسیدن به آن مقاصد شوم و غیر انسانی استفاده نمایند.
**مثلاً اینها می پذیرفته اند که (سیستم بردگی و غلامی چون در قرآن آمده جایز، مشروع و کاملاً انسانی است) (زن
ملکیت مرد می باشد، چون محمد تا توانست زن گرفت و دربار خلفاء، سلاطین و حکمرانان اسلامی به روایت تاریخ
اسلام پر بود از صد ها و هزاران زن) و امثالهم، اینها مبلغین و فروشندگان چنین عقایدی هستند.**

این بی وجدانان در خوشخدمتی به استعمار جهانی چنان به پیش می روند که ما را تهدید می نمایند که در صورت
خریدار نبودن به این جنس بر ما مصیبت های عجیب و غریب نازل خواهد شد؟ خریداری جنس توأم با فشار، دسیسه و
زور!! این خطرناک ترین نوع عرضه جنس بی محتوا و بی ارزش بر ماست!! و فروشندگان آن در ابتدای معامله
خرید و فروش در لافافه این که اگر چنین جنسی را خریدار نباشیم به فلان و فلان نوع عقوبت ها دچار خواهیم شد؟؟ ما
را می ترسانند تا مجبور باشیم و شویم خرید همچو متاعی را که ایشان می فروشند قبول و از اوامر شان اطاعت نمائیم
ورنه آنها به زور شمشیر ما را به خرید این متاع مجبور می سازند، آنها به خاطر این که ما به عذاب های عجیب و
غریب دچار نشویم بر ما فشار می آورند، ما را زجر می دهند، شکنجه می کنند و بالاخره می کشند تا دلسوزی خود
را ثابت سازند؟؟ آنها خیلی برای ما و سرنوشت ما نگران هستند و آرزو ندارند ما دچار عذاب های گوناگون ناشی از
پیروی نکردن اوامر شان گردیم؟؟ به این می گویند: شرافت و انسانیت دینی،؟؟؟

این نوع جنس و متاع فروشان را می توان در چوکات بندی اجتماعی ملا ها و رهبران ادیان دید مگر این که چه نامی
برای شان اطلاق نمود، (نمی دانم؟)

می بینیم اینها یک جنسی دارند به نام دین و ایمان!!! حدود آن هم مشخص است، و ما را مجبور می سازند برای خرید
این متاع از دکان دین!!! پس اینها می شوند دین فروشان! و ما می شویم خریدار دین!!

به عقیده آنها ما که خریدار هستیم!! باید این جنس را بخریم اگر میل داشته و یا نداشته باشیم با فشار و زور آنها
مجبور به خرید این امتعه می باشیم و همیشه آنها ما را در چوکات مفکوره بندگی و تسلیم بودن قرار داده و می دهند به
این مفهوم که: ما از خود اختیاری نداریم و مجبور به اطاعت از آنها که خود را نماینده های الله قلمداد و بر ما تحمیل
نموده اند می باشیم؟ خوب حالا اگر اجباراً بپذیریم و قبول کنیم (باید بپذیریم و قبول کنیم) که هر چه شما آقایان می
فرمائید درست و یا نادرست هر چه باشد مورد قبول ماست و ما هم اطاعت می کنیم بگوئید چه کنیم؟ و چه انجام دهیم
که وسیله خوشنودی باداران شما گردد و یا حد اقل وسیله خوشنودی شما را به دست آریم؟؟

اینجاست که این متاع بی ارزش والا می شود، قدر اجباری پیدا می کند و شروط لازمی خود را طرح می نماید!!!؟؟

این دکانداران که عقیده و باور ها را خوب و خراب به زور به ما می فرو شند در این مقطع حیثیت یک روحانی را به خود می گیرد ، و می شود یک آدم زاهد و الله پرست ؟؟ که تابعیت و پیروی از وی و احکامش مطلق بوده و شخص متخلف مجازات هائی را در پیش رو خواهد داشت ، البته نه مجازات های خیالی!! بلکه شکنجه ها و مجازات انسانی در قانونمندی اجتماعی سیاسی بر مبنای سر کشی از احکام الهی !!؟؟ اما وعده هائی که در قسمت پاداش مردم در رابطه به تسلیم بودن شان به احکام دینی می دهند همه واهی و خیالی بوده و فاقد هرگونه ارزش علمی است و همه مربوط می شود به آن دنیا ؟؟ کدام دنیا ؟؟؟ بیچاره ها خود شان هم نمی دانند ؟!!!!

اما در صورت پیروی نکردن از ایشان تنبیه نمودن و زدن و بستن و کشتن ما به آن دنیا محول نمی شود اینها خود شان مجری آن در همین دنیا می باشند، فقط ما را از عذاب های آن دنیائی بعد مردن می ترسانند اما خود شان اگر توان سرزدن بنده های نافر مان را داشته شند هرگز دریغ نمی کنند

چون صحبت ما آمد روی احکام الهی !! خود به خود این موضوع ارتباط می گیرد به نمایندگان و احزاب الهی !! چون رسیدن به خدا خیلی مشکل است فلذا باید به همین نمایندگان شان توصل جست و پرسید ؟ چه می توانم انجام دهم ؟؟ در قدم اول این نمایندگان خدا می خواهند که ما در مجموع همان طور فکر کنیم که ایشان فکر می کنند !! یعنی این که در حدود فکری شان باید بود نه خارج از آن ! چون در آن صورت باز هم عذاب ها متوجه ما خواهد بود.

خوب وقتی چنین مفکوره ای را پذیرفتیم ، باید مطیع باشم وفرمانبر ! بنده و غلام ! و هر آنچه آنان می فرمایند چه ارتباط به نیروی ماورالطبیعی دهند یا نه فرقی ندارد مهم این است که ما قبول نموده و ایمان داریم به آنچه آنها می فرمایند ، دیگر مشکل حل است و باید گوش به فرمان بود !! نه ابراز نظر و دخالت در امورخصوصی و بالائی ؟ حال به ما چه می گویند؟ اگر نا فرمانی کنیم از الله و نماینده های شان !! به شدید ترین مجازات ها محکوم خواهیم شد مگر این که کسی به داد ما مثل همین نماینده های الله برسد.

به آتشی خواهیم سوخت که سوزنده تر از همه آتش هاست ؟ عذابی را خواهیم کشید که مثالش را نمی توان داد ؟ ما باید بترسیم ؟ از چی ؟ از عذاب هائی که در نتیجه نا فرمانی و نخریدن متاعی که این دکانداران به ما عرضه می دارند ؟ و باید بدانیم که این متاع، این جنس و این پیشکش یعنی (دین) را حتما باید بپذیریم، ورنه به آتش جهنم خواهیم سوخت ، آنهم برای دایم و دایم.

می بینیم که این دکانداران چقدر رحم دارند ؟ چقدر انسانیت و عاطفه انسانی دارند ؟ برای این که ما به آتش نسوزیم آنها ما را مجبور می سازند تا از باور مندی هائی که برای ما عرضه می دارند پیروی کنیم ؟؟

آنها برای خود پریشانی و ناراحتی ندارند ، فقط ما هستیم که اسباب ناراحتی شان را فراهم ساخته ایم ؟ چون در صورت نا فرمانی ما از گفته های ایشان، ما در آتشی خواهیم سوخت که انتها ندارد ؟ و آنها ناراحت هستند برای ما ؟؟؟ به این می گویند متاع و جنس قابل فروش اجباری ؟!!!!

اگر به نحوی از انحاء ابراز داریم که این جنس و متاع کهنه شده ! پدیده استعماری و وسیله استثمار فرد از فرد است! و امثالهم ... آنها غافل نیستند و نمی توانند بی خصلت و بی عاطفه؟؟؟ باشند؟ نظر به حکم دین و فتوی ایشان زنده بودن ما لازم نیست و این دستور به همکاری تمام بی وجدانان سیاسی تاریخ و دستگاه دولتی و هدایت استعمار به انواع و اشکال گوناگون عملی می شود.

بهتر و انسانی تر خواهد بود تا با مبارزات پیهم و شدید دامن این خرافات دینی را قبل از این که زهرش مغز های جوانان ما را بیشتر مسموم سازد، بر چینیم.